

دکتر رابرت یاربرو، رساله‌های شبانی، جلسه ۵ اول تیموتائوس ۴

رابرت یاربرو و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر رابرت دبلو. یاربرو و تعلیمات او در مورد رسالات شبانی، دستورالعمل رسولی برای رهبران شبانی و پیروان آنها است. جلسه ۵، اول تیموتائوس ۴.

خب، به فصل دیگری از مطالعه‌ی رساله‌های شبانی می‌رسیم. و در اول تیموتائوس، در اول تیموتائوس ۴ هستیم، جایی که به دستورالعمل‌های رسولان برای رهبران شبانی و پیروانشان نگاه می‌کنیم.

و ما قبلاً دیده‌ایم که پولس به موقعیتی در افسس می‌پردازد که در آن رهبر کشیشان تحت هدایت پولس تیموتائوس نام دارد. و او با مخالفت مردم روبرو می‌شود، که به نظر می‌رسد شاید بر اساس شریعت عهد عتیق باشد. و برخی سردرگمی‌ها وجود داشته و حتی برخی افراد به عنوان مخالفان انجیل، مخالفان کلیسا ظاهر شده‌اند و شاید برای تیموتائوس مشکل ایجاد کنند.

و پولس شروع به پایه گذاری برای تثبیت امور و آموزش رهبران در کلیسا کرده است. و ممکن است فکر کنیم که خب، این یک وضعیت نسبتاً قابل کنترل است و تیموتی می‌تواند از پس آن برآید. اما اکنون خواهیم فهمید که تیموتی در وضعیتی است که من شنیده‌ام یک کشیش آن را علف‌های هرز عمیق نامیده است.

او اکنون در جنگل است زیرا اوضاع چالش برانگیز است، نه فقط به این دلیل که شما این معلمان دروغین و چند فرد را دارید، بلکه ما نیروهای معنوی در حال کار داریم که ما را به یاد اعمال رسولان ۱۹ و مکانی که افسس در آن بود می‌اندازد، جایی که تحت سلطه این سبک زندگی و این اعمال بود که به نوعی به نظر می‌رسد ناپاک و غیراخلاقی و غیره را دعوت می‌کند. بنابراین، در اول تیموتائوس فصل ۴، روح که با حرف بزرگ نوشته شده است زیرا ما کلماتی را با حرف بزرگ می‌نویسیم که مستقیماً با خدا مرتبط هستند. روح به وضوح می‌گوید که در زمان‌های بعدی، برخی ایمان را رها می‌کنند و از ارواح فریبنده و چیزهایی که توسط شیاطین آموزش داده می‌شوند، پیروی می‌کنند.

می‌خواهم آنچه را که قرار است اینجا مشاهده کنم به خودم یادآوری کنم. ما قبلاً درباره ترک ایمان توسط هیمانیوس و اسکندر شنیده‌ایم، اما اکنون او تأکید می‌کند که این اتفاق در حال رخ دادن است. چنین آموزه‌هایی از طریق دروغگویان ریاکار می‌آید، و من این را به آموزه‌هایی که قبلاً شنیده‌ایم و او از افرادی که نمی‌دانند در مورد چه چیزی صحبت می‌کنند، نقل کرده است، ربط می‌دهم.

و این افراد وجدان‌هایی دارند که مثل آهن داغ، داغ شده‌اند. این یعنی آنها قادر به تشخیص اشتباه یا چگونگی اشتباه خود نیستند. این می‌تواند وضعیت بسیار خطرناکی باشد.

و گاهی اوقات درباره افرادی می‌شنویم که مرتکب اعمال مجرمانه‌ای مانند قتل شده‌اند. و بعد متوجه می‌شویم که وقتی کودک بوده‌اند، دوست داشته‌اند سگ‌ها را شکنجه دهند. و نوعی الگوی رشدی از ناتوانی پاتولوژیک در داشتن ادراک طبیعی انسان وجود دارد.

خب، این در قلمرو معنوی اتفاق می‌افتد. مردم می‌توانند مدام دین و مسیحیت را آموزش دهند، اما در واقع دروغگوهای ریاکار باشند. و وجدانشان دیگر سرشان فریاد نمی‌زند و نمی‌گوید، بس کن، داری اشتباه می‌کنی.

آنها حتی ممکن است فکر کنند که کار درستی انجام می‌دهند. و در اینجا نمونه‌هایی از نتایج آموزه‌های نادرستی که پولس از آنها آگاه است، آورده شده است. آنها مردم را از ازدواج منع می‌کنند.

و در تاریخ کلیسا، نمونه‌هایی از افرادی وجود داشته است که به صورت جمعی با هم زندگی کرده‌اند. آنها تصمیم گرفتند که از آنجایی که نجات یافته‌اند و تمام گناهانشان بخشیده شده است، می‌توانند هر طور که می‌خواهند خود را ارضا کنند و هر آنچه که برایشان لذت و شادی به ارمغان می‌آورد، خدا در آن است. زیرا می‌گویند همیشه در خداوند شاد باشید.

بنابراین، آنها ازدواج نکردند، فقط با هم رابطه جنسی داشتند. منظورم این است که این اتفاق در تاریخ کلیسا به نام کلیسا رخ داده است. و وقتی ما بر این اساس ازدواج را ممنوع می‌کنیم، این یک دروغ ریاکارانه است.

امروزه، مردم ازدواج را ممنوع می‌کنند، زیرا به جوانان یا حتی مسیحیان در کلیسا می‌گویند که آنها تحت فرمان خلقت و مأموریت بزرگی نیستند، بلکه باید به خودشناسی بپردازند. و آنها، اول از همه، باید نگران شغل خود باشند. و بنابراین، بچه‌هایی که در نوجوانی به دانشگاه می‌روند و سپس به تحصیلات تکمیلی می‌روند و سپس در دهه بیست سالگی، سی سالگی خود هستند، هنوز ازدواج نکرده‌اند.

آنها نمی‌توانند ازدواج کنند چون از نظر فرهنگشان خیلی تحقیرآمیز است. و مخصوصاً اگر مادر شوید. و اینطور نیست که همه این افراد زندگی پاک و معصومی داشته باشند.

خیلی از آنها این کار را می‌کنند، آنها رابطه جنسی دارند. نمی‌گویم همه آنها این کار را می‌کنند، اما اگر در دهه بیست سالگی خود باشید، معمولاً در طول ماه‌ها و یک سال، در جایی از زندگی جنسی فعال خواهید بود، اما ازدواج نمی‌کنید زیرا این کار حرفه شما را خراب می‌کند. شما را عقب نگه می‌دارد.

شما نمی‌خواهید زیر بار حرفه‌ی شخص دیگری باشید. شما می‌خواهید در حرفه‌ی خودتان آزاد باشید و مطمئناً فرزند نمی‌خواهید. بنابراین، فکر می‌کنم در بیشتر فرهنگ‌ها، می‌توانیم راه‌هایی پیدا کنیم که در آنها افرادی از دیدگاه‌های مذهبی حمایت می‌کنند که با دعوت خدا برای زن و شوهر، یک مرد و یک زن، مبنی بر پذیرش پیمان ازدواج در تضاد است تا بتوانند وظیفه‌ی خلقت را انجام دهند و از نظر خانواده‌ی خود، مأموریت بزرگی داشته باشند.

همچنین، آنها به آنها دستور می‌دهند که از غذاهای خاصی پرهیز کنند. و سنت‌های روزه‌داری یا سنت‌های وگان یا سنت‌های ننوشیدن این یا نخوردن آن یا خوردن و آشامیدن آن فقط در زمان‌های خاص وجود دارد. خدا غذاها را آفرید، خدا ازدواج را آفرید تا توسط کسانی که ایمان دارند و حقیقت را می‌دانند، با شکرگزاری پذیرفته شود.

و در همین راستا، برای همه، ازدواج چیز خوبی است. غذاهایی که خدا آفریده، برای همه خوب هستند، به خصوص برای کسانی که در کلیسا هستند. و این همان چیزی است که پولس نگران آن است.

او نگران آموزه‌های نادرست در کلیسا است که باعث می‌شود هدایای خوب خدا نادیده گرفته شوند، از آنها پرهیز شود و به شیوه‌هایی که بی‌جهت پیچیده هستند، مورد استفاده قرار گیرند، در حالی که باید شکرگزاری و شادی وجود داشته باشد. ما باید از هدایای خوب خدا لذت ببریم و به دلیل این آموزه‌های نادرست نمی‌توانیم. زیرا هر آنچه آفریده شده است، ببخشید، زیرا هر آنچه خدا آفریده نیکوست و اگر با شکرگزاری پذیرفته شود، هیچ چیز را نباید رد کرد، زیرا توسط کلام خدا در دعا تقدیس شده است.

حال، منظور پولس این است که اگر چیزی، ماده‌ای مشروع و دریافت‌شده در چارچوب اراده‌ی روح خدا باشد، نباید آن را رد کرد. به یک معنا، تمام ماده توسط خدا آفریده شده است، و مانند داروهای توهم‌زا وجود دارد. اما او در اینجا نمی‌گوید که آفریده شده است و بنابراین خدا داروهای توهم‌زا را برای مصرف طراحی کرده است.

نه، او این کار را نکرد، نکرد، او در مورد سوء مصرف مواد صحبت نمی‌کند. او در مورد غذا و ازدواج و ابزار فیض عمومی، گرمای خورشید و عطر هوای بهاری و آب برای آبیاری، همه چیزهایی که خدا آفریده است، صحبت می‌کند. این دنیای خوبی است که می‌توان با لطف خدا از آن لذت برد و این بخشی از بارور بودن، تکثیر شدن، پر کردن زمین و مطیع کردن آن است.

ما از منابعی که جهان خلقت در خود جای داده است استفاده می‌کنیم و نباید بی‌جهت آنها را رد کنیم، زیرا آنها توسط کلام خدا در دعا تقدیس شده‌اند. ما از کلام خدا نحوه استفاده صحیح از این چیزها را می‌آموزیم و در ارتباط با خدا، دعا با خدا و پرستش خدا، این چیزها به روش‌هایی استفاده می‌شوند که باعث جلال خدا می‌شوند. من در مورد این متن متوجه می‌شوم که بقیه، از زمان رستاخیز، زمان‌های بعدی فرا رسیده‌اند.

فکر می‌کنم مردم اشتباه رایجی می‌کنند چون ترجمه‌ها می‌گویند در زمان‌های آخر و بعد مردم به کتابی در مورد آخرالزمان و ربوده شدن و این جور چیزها فکر می‌کنند. و فکر نمی‌کنم پولس از دیدگاه خودش به آینده اشاره کند... فکر می‌کنم او به زمان حال خودش اشاره می‌کند، که در مطالعات مسیحی، ما در مورد «از قبل» و «هنوز نه» صحبت می‌کنیم. مسیح قبلاً قیام کرده است و بنابراین پایان عصر با قیام او فرا رسیده است.

مرگ برای همیشه شکست خورد. به همین دلیل است که ما امید داریم و یکی از دلایلی که شادی می‌کنیم این است، که در مورد نتیجه نبرد بین مسیح و شیطان و شر فکر نمی‌کنیم. مرگ برای همیشه ناامید شده است، اما ما هنوز تحقق کامل وعده خدا را نمی‌بینیم.

ما هنوز جلال نیافته‌ایم. مسیح بازنگشته است. جهان دگرگون نشده است.

فیض همچنین و، خدا خوب عمومی فیض و است رسیده فرا بعدی‌های زمان، رستاخیز زمان از، وجود این با در را او خداوندی هنوز ما اما، است خداوند حاضر حال در مسیح. شومی مخالفت و تحریف، او خاص خواهد، بگویم خواهیم که را آنچه تاریخ این و کنم صحبت من که همانطور زیرا، بینیم نمی‌جا همه اوکراین به روسیه حمله. داشت خواهند یاد به همیشه برای را این نزدیک آینده در مردم کنیم فکر اما، بود هدایای چرا خدا؟ چرا و کی تا، خداوند ای، زنده‌ی فریاد مردم و افتدی اتفاق آنجا در که هابی وحشیگری و کشته مدارس و قطار‌های ایستگاه در کودکان و شوند بمباران مردم تا شوندی مخالفت و تحریف خدا خوب خود سیاسی دیدگاه خاطر به مردم که کنیم زندگی جهانی در ما اما، نیستند دشمن جنگجویان آنها شوند؟ کشندی را کودکان عمداً، جهان در.

کلام و دعای خدا وسیله‌ای برای حفظ و هدایت ماست. دنیا، ازدواج، غذا، این چیزها وجود دارند. آنها باید تأیید شوند.

زنان به ما، داریم نیاز کشیش رهبران به ما که دلایلی از یکی و باشند ما معاش و شادی منبع باید آنها و یابندمی پرورش کلام با که باشد افرادی از پر کلیسا، کلیسا در تا، داریم نیاز خدا ترس مردان و خدا ترس خوبی، مان‌غذایی‌های وعده خوبی، ازدواج خوبی بر دائماً بتوانیم ما تا کنندمی سپری دعا با را خود زندگی سالمی زندگی و سالم غذایی رژیم که باشیم داشته انگیزه، بمانیم شاد بتوانیم تا، کنیم تأکید شبانه خواب زندگی توانیم نمی‌ما همه و آیدمی بیماری که دانم می. بخوابیم کافی اندازه به، کنیم ورزش کمی، باشیم داشته

عنوان به زندگی با زیرا شوندمی افسرده و ناامید بسیار زندگی در مردم اوقات گاهی اما، باشیم داشته آلی ایده خود نفرت و کینه بار زیر آنقدر زیرا باشند سپاسگزار تواندمی سختی به و کنندمی رفتار هست که ای هدیه های راه از باید، بزرگ های شیوه به خداوند ستایش برای بنابراین. است ناگوار برایشان اوضاع که هستند که کنند پیدا را چیزهایی تواندمی همه تقریباً کنم می فکر و کنیم شروع دهمی برکت ما به او که کوچکی نیست باشد توانستمی که بدی آن به و هست ما زندگی در که چیزی هر و باشند بدتر خیلی توانستندمی خداست آن و داریم شکرگزاری برای چیز یک فقط.

او یک شیء نیست، بلکه یک موجود است. زیرا اگر شیطان نبود، ما فردا مرده بودیم. او استاد دروغ و قتل است، اما خدا، خدای زندگی و وعده است و بنابراین هر موهبت نیکو و کامل از بالا می آید، پدر نورها، یعقوب می گوید، هر موهبت نیکو و کامل.

تواندمی مسیح، است رسیده فرا رستاخیز، است آخرالزمان، گفت می اینجا در خلاصه طور به پولس بنابراین، بمانید کلام در. نشود برده لذت دنیا های خوبی از تا کنندمی تحریف را اوضاع دارند مردم. بازگردد لحظه هر از توانیم می آن از درست استفاده عدم با تنها که نیفتید بدبختی دنیای رؤیاهای این دام در تا بمانید دعا در آن. بمانیم امان در آن.

اگر این موارد را به برادران و خواهران، آیه ششم، گوشتد کئی، خادم خوب مسیح عیسی خواهی بود، که از حقایق ایمان و تعلیم خوبی که پیروی کرده ای، تغذیه شده ای. به رنگ زرد آنجا توجه کن، ای بنده خوب آن یک دیاکونوس، خادم مسیح عیسی است. حال، یک فرمان، هیچ ارتباطی با افسانه های بی خدا و داستان های پیرزن ها ندارد.

یادم و. است معنی همین به تقریباً که است این منظوم، که است یونانی اصطلاح یک انگلیسی ترجمه این که چیزهایی از بعضی و کردمی زندگی روستا در او و دادمی گوش مادر بزرگم به بودم کوچک خیلی وقتی آدمی صحبت دیگر های خانم با و داشت برمی را تلفن وقتی مخصوصاً و. رسید می نظر به واردیوانه، گفت می کردمی واری دیوانه چیزهای، کردمی.

و من فکر می کنم در بسیاری از فرهنگ ها، چیزهایی وجود دارد که به نوعی عجیب و غریب هستند. و پولس از این به عنوان تصویری از قیاس برای چیزهایی که در دین درباره آنها صحبت می شود، استفاده می کند. درگیر این داستان ها و رؤیاهای اسطوره ای بی ثمر نشوید.

بلکه، و این یک اصطلاح ورزشی است، خودتان را آموزش دهید، خودتان را برای خداترسی آموزش دهید. است، خودتان را برای خداترسی آموزش دهید eusebion به معنای خداترسی است، اما برای NIV ترجمه. تمرین بدنی تا حدودی ارزشمند است.

او تناسب اندام را بی ارزش نمی کند، اما تقوا برای همه چیز ارزش دارد. هم برای زندگی حال و هم برای زندگی آینده وعده می دهد. حالا یک ضرب المثل قابل اعتماد دیگر هم هست.

این گفته ای قابل اعتماد است که شایسته پذیرش کامل است. و آن گفته ای قابل اعتماد در این مورد به گذشته نگاه می کند، خود را برای این دلیل آموزش دهید و آن را به بانک ببرید. حتی یک لحظه هم شک نکنید که اگر خود را برای خداترسی آموزش دهید، خوشحال خواهید شد.

ممکن است وسوسه شوید که درگیر گمانه زنی های لحظه ای شوید، اما پولس می گوید، بر تقوا تمرکز کنید. به همین دلیل است که ما کار و تلاش می کنیم، به معنای کار، زیرا امید خود را به خدای زنده بسته ایم، که ناجی

همه مردم، و به ویژه کسانی است که ایمان دارند. من قبلاً در یک سخنرانی قبلی گفتم، او ناجی همه مردم است، و سپس باعث می‌شود که سلطنت او بر عادل و ظالم بیفتد.

و او برای همه روزی فراهم می‌کند. او از طریق جهان طبیعی، برای امرار معاش جهان خود، روزی فراهم می‌کند و هر روز جهان را از داوری‌ای که شایسته آن است و روزی دریافت خواهد کرد، نجات می‌دهد. اما تا زمانی که آن داوری فرا برسد، او به معنای کلی، مردم را نجات می‌دهد.

اما او به طور خاص کسانی را که به انجیل ایمان می‌آورند نجات می‌دهد، و سپس آنها با او وارد مشارکت می‌شوند و قوم عهد او می‌شوند. پولس با آنچه من به حروف قرمز و احکام تبدیل می‌کنم، ادامه می‌دهد، و این یک متن بسیار غنی از احکام است. او پایه و اساسی را برای توصیف مسیح و توصیف شرایط خدمت و توصیف رحمت و فیض خدا بنا نهاده است، اما اکنون او واقعاً رو در رو با تیموتائوس صحبت می‌کند و می‌گوید: تیموتائوس، در پرتو مسیح، در پرتو دعوت انجیل، در پرتو پیشگویی‌هایی که هنگام دریافت نجات انجام شد، این چیزها را فرمان بده و تعلیم بده.

او، است اتهام تحت او الان چون، است اتهام تحت تیموتی. دارد وجود زدن اتهام برای فعل آن دوباره و باشد داشته تحقیرآمیز نگاه تو به ات جوانی خاطر به کسی نگذار. است دیگران به زدن اتهام به متهم.

فکر نمی‌کنم این را به عنوان یک مشاهده ذکر کرده باشم، اما اینجا به آن اشاره می‌کنم. فرقی نمی‌کند در چه سنی در خدمت باشید، کسی از آن علیه شما استفاده خواهد کرد. اگر جوان هستید، افراد مسن‌تر می‌توانند از این موضوع به عنوان وسیله‌ای برای اینکه، خب، او بی‌تجربه است یا او خیلی جوان است، استفاده کنند.

و اگر شما، اگر بچه دارید، سی یا چهل ساله هستید، چه جوان‌ترها و چه مسن‌ترها، می‌توانند بگویند، خب شما خیلی با بچه‌ها تان سرتان شلوغ است. ممکن است به خاطر اینکه در آن دوره از زندگی هستید مورد انتقاد قرار بگیرید. و بدیهی است که با افزایش سن، تبعیض سنی هم وجود دارد.

و مردم می‌گویند، خب، او از کوره در رفته. ببین، او سمعک دارد. من الان سمعک ندارم، اما سمعک دارم. چون وقتی کووید آمد، نمی‌توانستم صدای دخترهای کلاس را از پشت ماسک‌هایشان بشنوم.

و بنابراین، من سمعک خریدم و هنوز نمی‌توانستم صدای زنان را که از پشت ماسک‌هایشان صحبت می‌کردند بشنوم، اما حداقل تلاش کردم، اما این باعث شد پیرتر به نظر برسم. و شما فقط باید در خدمت آماده باشید. مردم از هر دلیلی که بتوانند برای انتقاد از شما استفاده می‌کنند.

خیلی رسمی لباس می‌پوشی. به اندازه کافی رسمی لباس نمی‌پوشی. یکشنبه شب شلوارک می‌پوشی.

نباید برای رفتن به کلیسا شلوارک بپوشی. یکشنبه شب شلوار می‌پوشی. نباید تابستان‌ها توی کلیسا خیلی رسمی به نظر برسی.

منظورم این است که چیزهایی که مردم برای بی‌اعتبار کردن شما به عنوان یک خادم استفاده می‌کنند، دیوانه‌کننده است. اما پولس فقط این یکی را انتخاب می‌کند. تیموتی ظاهراً جوان‌تر است.

بنابراین، او می‌گوید، برای انتقاد آماده شوید و نگذارید روی شما تأثیر بگذارد. اما یک الگو باشید. از انتقاد برای ایجاد انگیزه در خودتان استفاده کنید، می‌توانید آن را به دو صورت بیان کنید، طرف دیگر صورت را برگردانید، این یک راه برای بیان آن است، یا زغال آتش را روی سرشان نگه دارید.

با الگویی که شما ارائه دادید. برای مؤمنان در گفتار، در کردار، در عشق، در ایمان، در پاکی. فکر نمی‌کنم و «در یونانی وجود داشته باشد».

و وقتی او از پاکی می‌گوید، انگار یک فهرست از پیش تعیین شده در ذهن دارد. اما فکر نمی‌کنم فهرست مشخصی داشته باشد. فکر می‌کنم فقط چیزهایی را مطرح می‌کند که برای تیموتی معمولی خواهد بود.

اگر تیموتائوس پر از روح القدس باشد و فرمان دهد و تعلیم دهد و مورد انتقاد قرار گیرد، با نمونه بودن در خدمت خود پاسخ خواهد داد. او آن را خواهد شنید. ممکن است او را برنجاند، اما آن را علیه مردم نگه نخواهد داشت و به انجام کار خود ادامه خواهد داد و اجازه خواهد داد که خدا منتقدان را حل کند.

،بیایم من که وقتی تا. باشم آنجا زودی به امیدوارم، بود گفته قبلاً او که باشد یادتان، بیایم من که وقتی تا مانند اولیه کلیسای در عبادت که است سرخی این. کنید مقدس کتاب عمومی خواندن وقف را خودتان. است بوده کنیسه در عبادت.

در کنیسه، آنها کتاب مقدس را می‌خواندند، و سپس کسی تفسیری ارائه می‌داد و شاید دو یا سه نفر تفسیری از کتاب مقدس ارائه می‌دادند. این الگوی کلیسای اولیه بود. و این زمینه‌ای است برای اینکه چرا ما به این شیوه عبادت می‌کنیم.

ما در کلیسا چه کار می‌کنیم؟ امیدواریم کلام خدا را بخوانیم و نه فقط یک یا دو آیه برای موعظه، بلکه امیدواریم در بسیاری از یکشنبه‌ها آیات زیادی بخوانیم تا مردم به عنوان جماعتی که در قرن اول به افسس بازگشتند، در کتاب مقدس و توسط آن تشویق شوند. خود را وقف خواندن عمومی کتاب مقدس، موعظه و تعلیم کنید. و من فکر نمی‌کنم که موعظه و تعلیم، فکر نمی‌کنم که این کلمات لزوماً باید در اینجا از هم جدا شوند.

تعلیم خوب، نصیحت می‌کند و حال و هوای موعظه دارد. و به هر حال، وقتی موعظه می‌کنیم، اگر در مقطعی آموزش ندهیم، دیگر موعظه مسیحی نیست. فقط در استفاده از اصطلاحات مذهبی اغراق می‌کند.

عیسی همیشه هنگام موعظه، راهنمایی می‌کرد. من نمی‌توانم هیچ سخنرانی در انجیل‌ها را به یاد بیاورم که آموزنده نباشد، جایی که عیسی فقط شعارها را تکرار می‌کند. بنابراین، ما باید در موعظه‌هایمان مسیح‌گونه باشیم و پولس این را توصیه می‌کند و مردم را فرا می‌خواند.

و مفهومش این است که ما قرار است کتاب مقدس را بخوانیم و سپس کسی آن را تفسیر کند. قرار است موعظه و تعلیم بر اساس کتاب مقدس انجام شود. پولس به تیموتائوس به عنوان یک فرد برمی‌گردد، از عطیه‌ای که از طریق نبوت به تو داده شده است، زمانی که هیئت مشایخ دست خود را بر تو گذاشتند، غافل نشو.

شاید این موضوع، حادثه‌ای را که قبلاً ذکر شد روشن کند، به طوری که او باید آن حادثه را به یاد بیاورد و تشویق شود. با حروف قرمز بیشتر، در این امور کوشا باشید و خود را کاملاً به آنها بسپارید تا همه بتوانند پیشرفت شما را ببینند. زندگی و آموزه‌های خود را از نزدیک تماشا کنید و در آنها استقامت داشته باشید، زیرا اگر این کار را انجام دهید، می‌توانید آن را نیز ترجمه کنید، همانطور که انجام می‌دهید، هم خود و هم شنوندگان خود را نجات خواهید داد.

بنابراین، چند نکته. اول، یک معلم خوب روحانی در شپرد، آنچه را که دریافت می‌کند، با ایمان منتقل می‌کند. او از خودش فیلمنامه، روایت یا دستور کار نمی‌سازد.

و من در اینجا، آیه ششم را در نظر دارم، اگر این موارد را به برادران و خواهران گوشزد کنید، او اکنون در چهار فصل به او دستورالعمل می‌دهد، قرار است این موارد را درونی کند و آنها را به مردم منتقل کند. این کاری است که یک معلم خوب شبانی در کتاب شپرد انجام می‌دهد. او آنچه را که دریافت می‌کند، منتقل می‌کند.

او چیزی را از خودش در نمی‌آورد. نکته‌ی دیگر این است که کار سخت، خوراک روزانه‌ی مراقبت‌های شبانی و در واقع به طور کلی، فعالیت‌های تبلیغی مسیحی است. اگر به آیه‌ی هفتم نگاه کنیم، در میانه آن، خود را برای خداترسی آموزش دهید.

و سپس او از آنجا ادامه می‌دهد. ما باید به عنوان مسیحی زندگی خودمان را داشته باشیم و از دیگران مراقبت کنیم. ما زندگی خودمان را داریم که باید داشته باشیم.

ما نیازهای خودمان را داریم که باید به آنها توجه کنیم. من دیشب داشتم برای امروز آماده می‌شدم و تقریباً همه چیز را آماده کرده بودم، اما ۴۰ دقیقه طول کشید. خیلی خسته بودم.

فقط می‌خواستم بروم بخوابم. باید آماده می‌شدم، اما ۴۰ دقیقه کار سخت طول کشید تا آماده شوم و کار سخت روز را شروع کنم. و مخصوصاً اگر پدر یا مادر هستید، چقدر کار سخت باید انجام دهید تا خانه‌تان را از خودویرانگری نجات دهید و همه چیز را در نظم و ترتیبی مناسب نگه دارید.

خب، خانواده خدا به مراقبت مداوم از سوی تیمی از مراقبان نیاز دارد. و نمونه فداکاری و نمونه تلاش با رهبران روحانی و رهبران دانشگاهی آغاز می‌شود. و اگر کشیش و خادمان کلیسا دستمال کاغذی و لیوان را از روی زمین جمع نمی‌کنند، چون این کار سرایدار است، انتظار نداشته باشید کس دیگری این کار را انجام دهد.

در تفسیرم از رساله‌های شبانی، یک بخش کامل به راز موفقیت پولس پرداخته‌ام، و کمی طعنه آمیز است، اما می‌گویم که این اخلاق کاری اوست. او زحمت کشید. و می‌توانیم رساله‌های شبانی را بررسی کنیم، و در واقع در آن مقاله، من تا حدودی این کار را انجام می‌دهم.

من اول تیموتائوس، دوم تیموتائوس، تیطوس و تمام جاهایی که پولس در مورد زحمت کشیدن صحبت می‌کند را مرور می‌کنم. و کار، و تلاش، و مراقبت، و تربیت خود. کتاب مقدس می‌گوید، و من عاشق این آیه هستم، شش روز کار کن.

کار نفرین نیست. کار به دلیل گناه نفرین شده است، بنابراین تلاش بیشتری نسبت به آنچه که می‌توانست باشد، می‌طلبد. اما داشتن نشاط، بینش، حس هدفمندی و استعدادهایی برای انجام کاری برای جلال خدا و سود رساندن به جهانی که خدا آفریده است، یک نعمت است.

جلال دادن خدا این نیست که بنشین و فکر کنی، تو خدای جلال هستی. منظورم این است که این جای خوبی برای شروع است. اما میراث عهد عتیق، که امروز در میان قوم یهود زنده است.

چند نفر از برندگان جایزه نوبل یهودی هستند؟ در یهودیت، از زمان‌های قدیم، یک ویژگی وجود دارد، اینکه مردم انتظار دارند خودشان چیزی بسازند. آنها حتی ممکن است به خدا اعتقاد نداشته باشند، اما همچنان این دیدگاه را دارند که این جهانی است که ما باید از آن برای بهبود چیزی استفاده کنیم. و گاهی اوقات آنها یهودیان مذهبی هستند.

و بنابراین، آنها در حال بهبود جهانی هستند که خدا آفریده است، و به خدا ایمان دارند. و این عالی است. من فقط می‌خواهم تأکید کنم که پولس و حواریون چقدر در مورد کار و زحمت صحبت می‌کنند.

و برگردیم به بحث صلاحیت‌ها، چندین شرط صلاحیت وجود دارد، محترم، کسی که مردم می‌توانند به او نگاه کنند و بگویند، خب، باید آن را به او بسپاری. اگر تنبل باشی هرگز به آن دست نخواهی یافت. و چون بسیاری از کشیشان اینطور هستند، فقط تو مدیر هستی.

و از آنجا که یکی از هفت گناه کبیره تنبلی است، کشیشان وسوسه می‌شوند که تنبل باشند. و این یک گناه است. و تقریباً هیچ چیز در رساله‌های کشیشی اگر به آن عمل نکنید، مؤثر نیست.

عیسی کار کرد. ما باید کارهای فرستنده خود را تا روز است انجام دهیم. شب فرا می‌رسد که هیچ کس نمی‌تواند کاری انجام دهد.

و وقتی زندگی عیسی را مطالعه می‌کنید، نمی‌گوییم که او هرگز استراحت نمی‌کرد. او حداقل هر روز سبت را استراحت می‌کرد، اما مرد خوش‌گذرانی نبود. به علاوه، او کارمند رسمی هم نبود.

بنابراین، حتی در میراث خانوادگی او مدیر اجرایی یا کارمند دانش‌محور بودن هم نبود. ما به مدیران اجرایی، کارمندان دانش‌محور و کارمندان یقه‌سفید نیاز داریم. اما آنها باید روحیه بهره‌وری داشته باشند، نه برای پول هنگفت، بلکه برای جلال خدا.

آنها باید سخت در تلاش برای ترویج دینداری باشند و نه فقط در ترویج بانک یا کارگزاری سهام یا هر چیز دیگری که شغل کارمندی بخشی از آن است. بنابراین، نمی‌توانم به اندازه کافی در این مورد صحبت کنم، صرفاً به این دلیل که، حدس می‌زنم، شاید با تحصیل در رشته الهیات و همچنین با مشارکت در کار روحانی می‌بینم که چقدر مردم سقوط می‌کنند و چقدر کم می‌آورند. و سپس گاهی اوقات آنها سرزنش می‌کنند.

آنها این شخص یا آن نیرو یا زمان یا چیز دیگری را سرزنش می‌کنند. اما به نظر من بزرگترین عامل مؤثر کمبود جاه‌طلبی و کمبود تلاش است. مردم وقت زیادی برای چیزهای دیجیتالی و الکترونیکی دارند، اما برای مقالات ترم وقت ندارند.

آنها وقت زیادی برای، فکر کنم این یک اپل ۶ است. فقط حدود ۱۰ سال قدمت دارد. آنها وقت زیادی برای کارهای دیگری غیر از انضباط شخصی و انکار نفس که برای خدمت به خدا و خدمت به دیگران لازم است دارند. به دلیلی به آن خدمت دیاکونیا می‌گویند.

همچنین مشاهده کردیم که مراقبت مسیح‌گونه از جان‌ها، مستلزم حداکثر تلاش و کوشش است. می‌خواهم به آیات ۱۱ تا ۱۶ برگردم. به همه آن حروف قرمز نگاه کنید.

و در واقع، کمی دلهره‌آور است. و به خاطر اینکه چقدر وقت گیر است، دلهره‌آور است. و حتی، حتی می‌تواند شما را زیر سوال ببرد که آیا پولس واقعاً منظورش این بوده است؟ مخصوصاً قسمت آخر.

هم خودت و هم شنوندگانت را نجات خواهی داد. من فکر می‌کردم عیسی نجات‌دهنده است. من فکر می‌کردم خدا نجات‌دهنده است.

خب، بله، اما پولس در جای دیگری می‌گوید، ما با خدا همکار هستیم. و اغلب، خدا در ارتباط با خادمان برجسته انجیل، کارهای فیض‌آمیز چشمگیری انجام می‌دهد. و افرادی مانند پولس هستند که به این دعوت پاسخ دادند و خود را وقف رویایی می‌کنند که خدا به آنها داده است.

پولس در جایی از کتاب اعمال رسولان می‌گوید، ما از رؤیای آسمانی نافرمانی نکردیم. به او رؤیایی از آنچه می‌توانست باشد داده شد و او خود را کاملاً وقف آن کرد. بنابراین، در آیه ۱۵، در این امور کوشا باشید.

خودت را کاملاً به آنها بسپار تا همه پیشرفت تو را ببینند. حالا، اینجا یک تنش وجود دارد چون عیسی می‌گوید، پارسایی خود را برای دیده شدن توسط مردم به کار نبرد. بنابراین، فکر نمی‌کنم پولس بگوید، من با عیسی در اینجا موافق نیستم.

تیموتائوس، تو برو بیرون و خودنمایی کن و برای خودت اسم و رسمی دست و پا کن. فکر نمی‌کنم منظورش این باشد. فکر می‌کنم داره میگه که باید اونقدر به خدمت و مسیح متعهد باشی که این برای افرادی که نمی‌تونن جلوی خودشونو بگیرن و تو رو ببینن، یه شاهد و دلگرمی باشه.

اگر شما کشیش آنها باشید، آنها شما را خواهند دید. و اگر ببینند که شما فقط گلف بازی می‌کنید و قهوه می‌نوشید و در انجام وظایفی که باید انجام شوند، فعال نیستید، پیشرفت شما را نخواهند دید. و اتفاقات بد زیادی رخ خواهد داد.

از همه مهم‌تر، آنها پیشرفت نخواهند کرد، زیرا برای پیشرفت آنها، همانطور که قبلاً گفتم، باید زندگی خود را بکنید و به آنها نیز خدمت کنید. و هر یک از ما می‌توانیم از هر کاری که انجام می‌دهیم بازنشسته شویم و تمام روزهای خود را صرف انجام کارهایی برای خودمان کنیم. شما همیشه می‌توانید کارهای جدیدی برای خودتان انجام دهید.

اقسام و انواع یا کنید درست جدید باغچه یک یا کنید تهیه جدید افزار نرم یک یا بخوانید جدید کتاب یک و خداست امانت ما زندگی زیرا کنیم زندگی خودمان برای که باشیم مراقب باید، مسیحی عنوان به اما. کارها ام‌زندگی از ای دوره، پدر مقام در، دارم یاد به. باشد دیگران نفع به که کنیم چیزهایی صرف را زیادی زمان باید گرفتیم می سختی بسیار تصمیم باید که بود.

و این در رابطه با پسر کوچکتری بود که تصمیم گرفته بود واقعاً یک ورزش خاص را دوست داشته باشد. و آن ورزش بیسبال بود. و من در کلیسا و در تدریس دروس حوزوی ام بسیار فعال و مشغول بودم.

و آنها به اندازه کافی مربی در لیگ ناحیه پارک نداشتند تا پسر را در تیم داشته باشند، چون ما در منطقه تازه‌کار بودیم. او دیر در لیست قرار گرفت و پسرهای زیادی بودند و آنها نه تیمی داشتند و نه مربی. و بنابراین، پسر پیش من آمد و من پشت میز مشغول بودم که گفت: بابا، مربی می‌شوی؟ و من گفتم: نه.

گفتم سرم خیلی شلوغ است. نمی‌توانم این کار را انجام دهم. این یک تعهد بزرگ خواهد بود.

من این کار را نخواهم کرد. خب، آن پسر کوچک‌ترم بود. و پسر بزرگ‌ترم که آن زمان حدود ۱۳ سال داشت کمی دیرتر، شاید یک ساعت بعد، آمد.

او گفت، بابا، و من سرم را بالا آوردم و گفتم، بله، چه می‌خواهی؟ او گفت، من فقط یک سوال دارم که می‌خواهم از تو بپرسم. می‌دانم که واقعاً سرت شلوغ است و کلی کار داری که باید انجام بدهی، اما او گفت

فکر می‌کنی ده سال دیگر آرزو کنی که کاش کتاب‌ها و مقالات بیشتری نوشته بودی یا اینکه وقت می‌گذاشتی تا مربی میکا باشی؟ خب، این حرف من را به وجد آورد. باید در موردش فکر می‌کردم.

خوبی رابطه ما اما، برود اینجا از خواهدمی او، والد یک عنوان به، بنابراین. داشتم پسر با خوبی رابطه من و گوش فرزندانمان به که بودم گرفته یاد هاسال طول در، من و. گذاشتم احترام او قضاوت به من و داشتیم. هستند پیامبر یک یا فرشته یک آنها اوقات گاهی زیرا دهید.

و این آغاز ده سال مربیگری بیسبال بود. هر چیزی به چیز دیگری منجر می‌شد. و واقعاً نیاز بود که پدران در آن جامعه قدم پیش بگذارند و به پسرانشان علاقه نشان دهند.

و البته، در ورزش‌های تیمی، پسران دیگران هستند. یکی از اتفاقاتی که در نتیجه افتاد، من در کلیسای در آن جامعه خدمت می‌کردم و در آن جامعه جدیدتر بودم، آن بخش از کشور بود که من در آن زندگی نکرده بودم. و معلوم شد که افراد زیادی در آن جامعه بودند که فرزندان یا نوه‌هایی داشتند که در آن جامعه آن ورزش را انجام می‌دادند.

و مردم واقعاً در کلیسا وقتی تدریس یا موعظه می‌کردم به حرف‌هایم گوش نمی‌دادند. تا اینکه مربی شدم. و ناگهان، من کسی بودم که برایشان مهم بودم چون اولویت‌بندی کرده بودم، منظوری این است که، این یک چیزی بود، نه؟ فرزندم بود.

اما البته، شما نمی‌توانید فرزندان را در ورزش در اولویت قرار دهید. شما باید تمام تیم را مربیگری کنید. شما باید از همه بچه‌ها مراقبت کنید.

حالا، ناگهان، برداشت عمومی از من متفاوت شد، چون اگر به گذشته نگاه کنیم، من به حرف پسر گوش داده بودم و تصمیم گرفته بودم کار سخت را انجام دهم. و آیا مربی بیسبال بودن کار سختی است؟ مثل هر مربیگری دیگری، اگر آن را خوب انجام دهید، یک لایه کامل دیگر از زندگی، یک لایه دیگر از پیچیدگی است. شما به آن نیازی ندارید.

اما زندگی، اول از همه، برای نیازهای ما نیست. زندگی، اول از همه، برای دعوت خدا و نیت‌های خدا برای ماست. و سپس همین چیزهای زمینی انسانی که زندگی ما را تشکیل می‌دهند، فرصت‌هایی را که داریم، تشکیل می‌دهند.

خدمت به خدا گاهی اوقات از طریق خدمت به دیگران. و این می‌تواند به معنای موعظه کردن باشد، اما اغلب فقط به معنای خدمت به جامعه است. یا در محله شما، داشتن حیاط یا داشتن بخشی از خیابان که بچه‌ها می‌توانند به آنجا بیایند و والدینی آنجا باشند که به نوعی بر بچه‌ها نظارت و آنها را تماشا می‌کنند. زیرا اغلب بچه‌ها به دلیل نبود والدین دچار مشکل می‌شوند.

و توجه به بچه‌ها یک فداکاری است. اما خانواده‌هایی هستند که تصمیم می‌گیرند. ما قرار است یک درآمد داشته باشیم.

این و کنیم مراقبت فرزندانمان از است قرار ما. باشیم داشته خانه در را والدین از یکی است قرار ما است این بگویم خواهیم می که ای نکته بنابراین. کندی فراهم نیز هابچه سایر از مراقبت برای را هابی فرصت شود تلقی حد از بیش تواندمی که دارد وجود شدت از سطحی و پشتکار که.

و انکار نمی‌کنم که ما می‌توانیم بیش از حد متعصب شویم و همچنین، گمان می‌کنم شما می‌توانید معتاد به کار شوید. می‌توانید سلامتی خود را از بین ببرید. شما چنان متعصبی می‌شوید که غیرقابل تحمل می‌شوید.

اما همچنین می‌تواند به این واقعیت مربوط باشد که در جامعه ما، اوقات فراغت و تفریح و برنده شدن در قرعه‌کشی و سفر و همه این فعالیت‌های خودجوش که بسیار سرگرم‌کننده و لذت‌بخش هستند و به درآمد زیادی نیاز دارند، وجود دارد و ما باید کار کنیم و کار کنیم تا بتوانیم اسکی برویم و بسته به اینکه در کدام قسمت از جهان هستید، کارهای مختلفی انجام دهیم. من فکر می‌کنم در بیشتر نقاط جهان راه‌های زیادی برای لذت بردن از خود وجود دارد. با امکاناتی که در محل موجود است و خودتان را برای دیگران به خطر نیندازید.

و پولس از تیموتائوس می‌خواهد که زندگی و آموزه‌های خود را از نزدیک زیر نظر داشته باشد و در آنها ثابت قدم باشد. نه تنها آموزه‌های خود، بلکه زندگی خود، نحوه زندگی، خدمت به چه کسی؟ چگونه وقت خود را می‌گذرانید؟ کاملاً خود را وقف این امور کنید و در این امور کوشا باشید. این کلید سعادت آخرتی شما و کسانی است که از شما پیروی می‌کنند.

و این موردی است که پولس در مورد نجات در آینده صحبت می‌کند. او در اینجا در مورد توجیه و اینکه به یک معنا به واسطه فرمان و وعده خدا، ما از قبل از بنیان جهان نجات یافته‌ایم، تردیدی ندارد. این همچنین بخشی از دیدگاه کتاب مقدس در مورد نجات و قوم خدا است.

سپس پولس اغلب رستگاری ما را در مرگ مسیح قرار می‌دهد. ما با مسیح بر روی صلیب کشته شدیم و با او برخیزانیده شدیم و با او در جلال نشستیم. او می‌تواند در مورد آن به عنوان چیزی که در جلجتا انجام شده و در رؤیای آینده خدا انجام شده است، صحبت کند.

اما اینجا او نتیجه نهایی، پاداش نهایی تمام زحمات ما، و اینکه چطور الان درست است را تصور می‌کند، با واقعیت جور در نمی‌آید. این یک راز است و اغلب به نظر می‌رسد که بیهوده است. من از سال ۱۹۹۵ تا زیاد به سودان می‌رفتم و آن امنیت همه چیز را تعطیل کرد. کلیساها با خاک یکسان شدند و مردم ۲۰۱۲ دستگیر شدند و ما از خود می‌پرسیدیم که آیا این سفر فایده‌ای هم دارد؟ و چند سال بعد، من در یک عروسی در شرق ایالات متحده بودم و افرادی از سودان آنجا بودند.

گفتم، چه اتفاقی برای کلیسا افتاد؟ و آنها گفتند، ما رشد کرده‌ایم و از همیشه قوی‌تر هستیم. و گفتند چون ما آن کنفرانس‌ها را در طول سال‌های متمادی داشته‌ایم، می‌دانیم به چه چیزی اعتقاد داریم و آنها نمی‌توانند ما را بشکنند. و بنابراین، می‌بینید که چگونه ممکن است اوضاع به ظاهر تکه‌تکه شود، اما به حکمت خدا، یک حسابرسی در آینده وجود دارد که در آن حقیقت واقعی زمان حال دیده خواهد شد.

ما چیزها را آنطور که واقعاً هستند نمی‌بینیم. ما چیزها را همانطور که خودمان می‌بینیم می‌بینیم و ما خدا نیستیم. و گاهی اوقات در یک منحنی نزولی قرار داریم.

بعضی وقت‌ها ما در بخشی از تاریخ هستیم، در بخشی از جهان هستیم و کلیسا در حال مرگ است. کلیسا مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرد. ما نمی‌دانیم چرا.

عیسی داشت وجود عیسی خدمت در شفا قدرت یا نداشت وجود شفا قدرت که شودمی گفته روزها بعضی انجام روز آن در توانست می که را کاری و رفت می دیگر جای به جایی از و بود وابسته پدر مشیت و اراده به معجزات توانست نمی آنها ایمانی بی دلیل به که شودمی گفته جا یک در یا دادمی انجام قدرت و ایمان با، دهد

آن و دهمی مأموریتی ما به خدا اوقات گاهی است؟ صادق بیشتر چقدر این . دهد انجام آنجا در زیادی است رفتن بین از حال در چیز همه که است جایی در مأموریت

اما آزمون واقعی روز آخر است . و من به آن روز می گویم و امیدوارم از این عبارت خوشتان بیاید . دانش آموزان من خوششان می آید

اولویت هستی شناختی آینده . هستی شناسی مطالعه ی چگونگی وجود چیزها است . ما به عنوان انسان ، تمام تلاش خود را می کنیم تا آنچه را که می بینیم و آنچه که هست توصیف کنیم ، اما واقعاً نمی دانیم زیرا همه چیز در خطی رو به پیشرفت به سوی یک محاسبه ی نهایی است

، و آن حسابرسی نهایی ، حکمی خواهد بود بر آنچه که اکنون در جریان است و ما نمی توانیم ببینیم . بنابراین تیموتائوس در حال تلاش است ، در میان آشفتگی و سر و صدا و مخالفت ها در افسس و او قرار است چیزهای خوب و چیزهای بد زیادی را ببیند . و هیمنائوس و اسکندر در پس زمینه هستند و این افراد هستند که مسائل را تحریف می کنند و ازدواج را ممنوع می کنند ، فراموش می کنند

چه اوضاع آشفتگی . و او قرار است به دنبال رهبران و خادمان کلیسا بگردد و سعی کند آنها را آموزش دهد . و در این مسیر ، شاخص های متضادی برای پیشرفت وجود خواهد داشت

اما فکر می کنم چرا پولس از آیه ۱۱ تا آیه ۱۶ اینقدر حروف قرمز دارد . اینها حروف قرمز من هستند ، نه حروف قرمز متن یونانی یا حروف قرمز متن انگلیسی . من فقط آنها را اضافه کردم

اینها مواردی هستند که کاربردهای اخلاقی آموزه های پولس را تشکیل می دهند . او همه این موارد را در آموزه هایش دارد . اگر بتوانم از عبارتی که به ذهنم می رسد استفاده کنم ، احتمالاً در همه ورزش ها استفاده می شود ، اما قطعاً در بیسبال از آن استفاده می کنند

شگفت انگیزه ، هر چی بیشتر تلاش می کنم ، خوش شانس تر می شوم ، درسته ؟ هر چی بیشتر خودمون رو برای کاری که خدا بهمون قدرت انجامش رو می ده ، آماده کنیم ، پربارتر خواهیم بود

ما فقط باید به خدا و به مسیح ایمان داشته باشیم تا امیدمان به خدا را به آنچه می توانیم بلافاصله از تلاش هایمان ببینیم محدود نکنیم . اما ما بذر را در یک کودک دو ساله یا سه ساله می کاریم و اعتماد داریم که وقتی آنها ۱۲ یا ۱۳ یا ۴۲ و ۴۳ ساله شدند ، آنچه در آنها قرار می دهیم ، خدا از آن ثمر خواهد داد . و به همین ترتیب یک ازدواج می تواند بسیار خشک و بی ثمر باشد ، اما ما به خدا ایمان داریم

ما معتقدیم که او می تواند از این [مسئله] نتیجه ای به دست آورد . رهبری جماعت می تواند کار بسیار دشواری باشد ، اما مسیح امید ماست زیرا او امید ماست و او قیام کرده و سلطنت می کند . با استقامت ، هم خودمان و هم قهرمانانمان را نجات خواهیم داد

متشکرم

این دکتر رابرت دبلیو . یاربرو و تعلیمات او در مورد رسالات شبانی ، دستورالعمل رسولی برای رهبران شبانی و پیروان آنها است . جلسه ۵ ، اول تیموتائوس ۴